

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

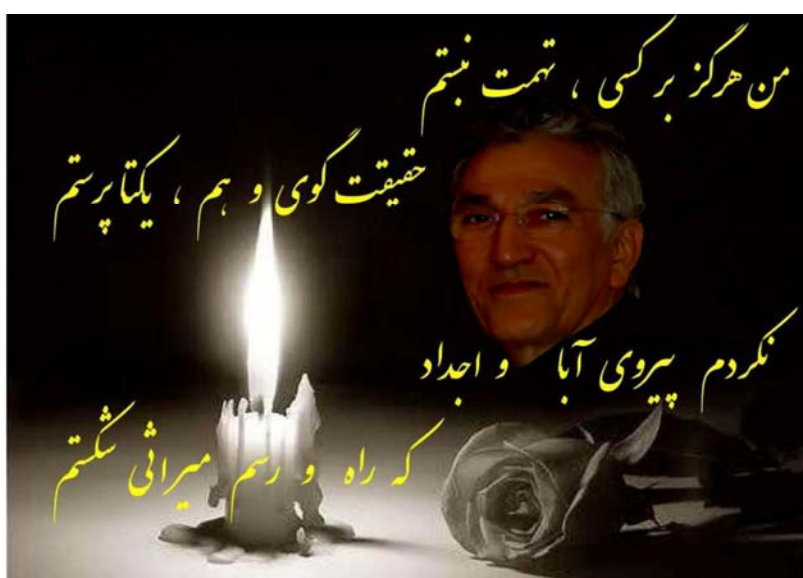
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۲ جولای ۲۰۱۸



زنجیر دغلبازی

شست بالای ترا دیدم و دلشاد شدم
نوری از برق نگاهت به دلم می تا بید...
حیف و افسوس کنون همدم اغیاری و من
خسته و زار و خراب از شکن پیمانت
ورنه افسرده و پژمرده به هر بوم و بری
مدتی شد خبری نیست ز خشم و غضبت
ای که پیغام و پسندت به رقیب و نه به من
دست و پا بسته به زنجیر دغلبازی تو
نغز پیغام ترا خوانده و فریاد شدم
دست اغیار وسط آمد و مازاد شدم
اشک حسرت ز جفای تو پریراد شدم
حسن اشعار تری بود که آباد شدم
روز صد بار ز دوری تو برباد شدم
من که بر ناز تو و قهر تو معتاد شدم
کور و کر گشته و خاموش و به ابعاد شدم
کفر "نعمت" اگر از بند تو آزاد شدم



زنجیر و غلبازی

شست بالای ترا دیدم و دشاد شدم
نفس پیغام ترا خوانده و فریاد شدم
نوری از برق نگاهت به دلم می تابید
دست اغیار وسط آمد و مازاد شدم
حیف و افسوس کنون بدم اغیاری و من
اشک حسرت ز جفای تو پریزاد شدم
خسته و زار و خراب از شکن پیسانت
حسن اشعار تری بود که آباد شدم
ورنه افسرده و پرمرده به هر بوم و بری
روز صدار ز دوری تو برباد شدم
مدتی شد خبری نیست ز خشم و غضبت
من که بر ناز تو و قهر تو معتاد شدم
ای که پیغام و پسندت به رقیب و نه بمن
کور و کرکشته و خاموش و به ابعاد شدم
دست و پا بسته به زنجیر و غلبازی تو
کفر «نعمت» اگر از بند تو آزاد شدم